

## تحلیل مولفه های خط‌مشی تحول علوم انسانی با استفاده از رویکرد تحلیل اهمیت-عملکرد

نویسندگان: حسین قلی پور<sup>۱</sup> و روح الله رازینی<sup>۲</sup>  
تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۳/۱۶

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال نوزدهم، شماره ۷۰، بهار ۱۳۹۵

### چکیده

در طول سالیان بعد از انقلاب اسلامی، برای تحقق خط‌مشی تحول علوم انسانی، برنامه‌ها و اقداماتی برنامه‌ریزی و اجرا گردید. از این رو بعد از گذشت چند سال از اجرای برنامه‌های عمومی، ارزشیابی عملکرد آن‌ها در راستای ارائه بازخورد و ایجاد بهبود در خط‌مشی تحول علوم انسانی ضروری می‌نمود. کنکاش پیرامون پژوهش‌های صورت گرفته در باب ارزشیابی این برنامه‌ها، نشان داد که این حوزه از فقر پژوهشی رنج می‌برد؛ بنابراین در ابتدا با تعمق در سیاست‌های کلی نظام و بیانات رهبر انقلاب، با تمسک به روش تحلیل مضمونی، مؤلفه‌های تحول علوم انسانی استخراج و سپس در چارچوب تحلیل اهمیت-عملکرد و با استفاده از نظر خبرگان مورد بررسی قرار گرفت تا الگوی ارزشیابی عملکردی از خط‌مشی تحول علوم انسانی ارائه شود. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که اولاً علی‌رغم تأکید جدی و مکرر سیاست‌های کلی نظام بر تحول علوم انسانی، متأسفانه این خط‌مشی تاکنون اولویت جدی دستور کار خط‌مشی گذاران مربوطه نبوده است. ثانیاً مبتنی بر تحلیل اهمیت عملکرد، بایستی اولویت کنونی خط‌مشی تحول علوم انسانی، تمرکز بر روی مؤلفه‌هایی چون «ابتناء نظریات علوم انسانی بر مبانی اسلامی»، «جذب افراد مستعد و باانگیزه به علوم انسانی»، «آموزش علوم اسلامی مورد نیاز به دانشجویان علوم انسانی»، «تبیین اهمیت علوم انسانی برای مسئولین»، «همسازی علوم انسانی با فرهنگ ملی و اسلامی»، «تدوین تعداد کافی کتاب‌های درسی در حوزه علوم انسانی اسلامی» و «تقویت اعتماد به نفس ملی» قرار گیرند. مقایسه این مؤلفه‌ها با نقاط تمرکز برنامه‌های کنونی خط‌مشی تحول علوم انسانی، حاکی از تمرکز سیاستی بر نقاط غیر اولویت‌دار است.

### واژگان کلیدی:

تحول علوم انسانی، خط‌مشی، تحلیل اهمیت عملکرد، مؤلفه‌های تحول علوم انسانی

۱. کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت از دانشگاه امام صادق علیه السلام، hghpor@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی و استادیار مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام، razini58@yahoo.com

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

اجتماع بشری محمل وقوع مسائل و معضلاتی است که حل و رفع آن مسائل بدون ورود هدفمند دولت امکان پذیر نیست (پورعزت، ۱۳۸۹، ص ۲۵). اگرچه تاکنون برای دخالت یا عدم دخالت دولت در مسائل اجتماعی خرده‌مایه‌های متفاوتی در گذر زمان ارائه شده است و برای دخالت دولت در عرصه عمومی حداقل و حداکثرهایی قائل شده‌اند ولی آنچه نقطه مشترک این خرده‌مایه هاست، ضرورت ورود دولت در برخی مسائل اجتماعی است (دانایی فرد و جوانعلی آذر، ۱۳۹۳). نظریه پردازان علوم اجتماعی سعی کرده‌اند تا به تعریف مسئله عمومی<sup>۱</sup> و مسئله اجتماعی<sup>۲</sup> پردازند. برخی جامعه شناسان معتقدند مسئله اجتماعی، حداقل سه ویژگی دارد که عبارت‌اند از: وضعیت یا شرایطی که در ادراک عمومی<sup>۳</sup> اشتباه و غلط تلقی شود. رابینگتن و واینبرگ توضیح می‌دهند که در اصل این وضعیت مغایر با ارزش‌های مردم است و به همین خاطر اشتباه تلقی می‌شود. ویژگی دوم این است که ناظر بر شرایط شایع و گسترده‌ای باشد یعنی شمار مهمی از مردم را دربر بگیرد که این شمار مهم دو بعد دارد یا تعداد زیادی را دربر بگیرد و یا افراد ذی نفوذ و قدرتمندی را شامل شود. ویژگی سوم نیز این است که اعتقاد بر این باشد که آن وضعیت، باید تغییر کند (رابینگتن و مارتین، ۱۳۹۳، صص ۱۲-۱۳، لوزیک، ۱۳۹۳، صص ۲۵-۲۳). از طرفی دیگر نظریه پردازان خط‌مشی نیز به تعریف مسئله پرداخته و گفته‌اند مسئله عبارت است از اختلاف (انحراف) بین آنچه باید اتفاق می‌افتاد و آنچه اتفاق افتاده است که این اختلاف تا اندازه‌ای مهم است که فرد را به فکر فرو می‌برد که باید این اختلاف برطرف شود (Kepner & Tregoe, 1965, p20)؛ اما جیمز آندرسون با تفکیک کردن میان مسئله عمومی و مسئله خط‌مشی، مسئله خط‌مشی را این‌گونه تعریف می‌کند: یک مسئله شرایط یا موقعیتی است که نیازها یا نارضایتی در میان افراد، ایجاد می‌کند و برای تسکین یا فریادری از آن از طریق اقدام دولت احساس نیاز شده باشد (Anderson, 2003, p28).

بر اساس این مقدمه می‌توان گفت که یکی از تفاوت‌های وضعیت موجود با نظام ارزشی پذیرفته شده کشور پس از انقلاب اسلامی، معضل تدریس، تولید و فرآوری تئوری‌های غربی در قالب علوم انسانی بود. تعطیلی دانشگاه‌ها، بررسی وضعیت اساتید، هم‌اندیشی‌های اساتید حوزه و دانشگاه، تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، تأسیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در دانشگاه‌ها، تأسیس شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، تهیه و تصویب سند تحول آموزش و پرورش، تهیه سند دانشگاه

1. Public problem
2. Social problem
3. Public perception



اسلامی، تشکیل شورای تخصصی تحول و ارتقاء علوم انسانی و... از اقداماتی بود که در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در این راستا، انجام گرفت.

حمایت مالی از پایان نامه های تحصیلات تکمیلی که رویکردی اسلامی دارند (آیین نامه هدفمندسازی رساله های دوره دکتری در رشته های علوم انسانی و هنر)، برگزاری کرسی های آزاداندیشی در مراکز علمی به خصوص دانشگاه ها (آیین نامه تشکیل کرسی های آزاداندیشی در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی سراسر کشور)، تدوین سرفصل های جدیدی که صبغه اسلامی دارند و ابلاغ آنها به وزارت علوم در جهت اجرای آنها و همچنین قرار دادن امتیاز برای نظریه پردازی در حوزه علوم انسانی و معارف اسلامی و سایر حوزه های علوم در قالب کرسی های نظریه پردازی در آیین نامه ارتقاء اعضای هیئت علمی (آیین نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی موسسه های آموزشی) را می توان از دیگر برنامه های شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در راستای خط مشی تحول علوم انسانی دانست.

با وجود برداشت اولیه از تکرر و تنوع نسبی در مجموعه برنامه های تحول علوم انسانی، بررسی مطالعات انجام شده در این حوزه از فقدان نظام اولویت بندی و ارزیابی یکپارچه این برنامه ها حکایت دارد. به تعبیر دیگر حتی اگر در مواردی برخی از این برنامه ها بصورت مستقل ارزیابی شده باشند، اما خلأ ارزیابی یکپارچه و کلان برنامه های تحول علوم انسانی با تأکید بر رویکرد مدیریتی و حاکمیتی مشاهده می شود. از سوی دیگر، تعیین ابعاد تحقق هدف، به عنوان اولین گام در ارزیابی، به عنوان چالشی جدی در ارزیابی برنامه های دولت در عرصه های غیر ملموس همچون تحول علوم انسانی، به شمار می رود.

بر همین اساس در پژوهش حاضر در گام اول تلاش می شود با تحلیل مضمونی سیاست های کلی و کلان نظام و فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، مؤلفه های تحول علوم انسانی شناسایی شده و در گام دوم با استفاده از رویکرد تحلیل اهمیت-عملکرد، ضمن ارزیابی عملکرد کلی در هر یک از مؤلفه های شناسایی شده، اولویت تمرکز بر هر یک در راستای تحول علوم انسانی مشخص شود. در همین چارچوب سؤالات اصلی این پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- بر اساس سیاست های کلی نظام و فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، مؤلفه های خط مشی تحول علوم انسانی کدامند؟
- ۲- برآیند کلی عملکرد در هر یک از مؤلفه های تحول علوم انسانی چگونه بوده است؟



۳- اولویت هر یک از مؤلفه های تحول علوم انسانی، به عنوان دستور کارهای<sup>۱</sup> خطمشی گذاران چه میزان است؟

## ۲- ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

### ۲-۱- مبانی نظری

الف) ارزیابی برنامه و خط مشی عمومی: «خطمشی<sup>۲</sup>، بیانگر مجموعه اقدامات نسبتاً ثابت و هدفمند است که به وسیله یک فرد یا مجموعه‌ای از بازیگران برای پرداختن به یک مسئله یا دغدغه دنبال می‌شود» (Anderson, 2003, p 2). این گزاره بر آنچه دولت در عمل به طور واقعی انجام می‌دهد نه آنچه صرفاً پیشنهاد داده یا قصد انجام آن را دارد، متمرکز است و خطمشی را از یک تصمیم که صرفاً نوعی گزینه ویژه میان سایر گزینه‌هاست مجزا می‌سازد. با این تعریف، خطمشی‌های عمومی، اشاره به مجموعه‌ای از اقدامات دولت دارد که به صورت نسبتاً ثابت و هدفمند برای حل یک معضل عمومی انجام می‌شود. البته باید توجه داشت خطمشی عمومی ممکن است مثبت یا منفی باشد. گاهی اوقات دولت برای رفع معضلی دست به مجموعه‌ای از اقدام‌های عملی می‌زند (مثبت) و گاهی خطمشی فضولی موقوف<sup>۳</sup> در پیش می‌گیرد (منفی). اولی را اقدام<sup>۴</sup> دولت و دومی را عدم اقدام<sup>۵</sup> گویند. این دو حالت در مورد موضوعاتی صادق است که دولت توان انجام دادن یا ندادن آن‌ها را دارد؛ بنابراین در این دو حالت، خطمشی عمومی قابلیت اجرا دارد. این خطمشی‌ها، ممکن است در عمل موفق بوده و یا دچار شکست شوند. در مواردی نیز ممکن است یک خطمشی به هدف خویش نائل آمده باشد ولی چنان هزینه‌های مالی، انسانی، زمانی و... سنگینی داشته باشد که نیازمند تجدیدنظر باشد. لذا «ارزشیابی خطمشی<sup>۶</sup>» امری لازم و ضروری در راستای پاسداری از ارزش‌ها و منافع عمومی است که از طریق «ارائه بازخور» و «انجام تغییرات مثبت»، به عنوان دو هدف عمده ارزیابی انجام می‌پذیرد (Shadish, 1991, 19). در همین چارچوب ارزیابی برنامه، در حقیقت استفاده از روش‌های پژوهش اجتماعی، برای بررسی نظام‌مند اثر مداخلات اجتماعی است که با محیط سیاسی و اجتماعی خود انطباق یافته و برای بهبود وضعیت اجتماعی طراحی شده است (Rossi et.al, 1999, 446). استافل‌بیم چهار

1. Agenda setting
2. Policy
3. Hands off
4. Action
5. Inaction
6. Policy evaluation



مقوله؛ بهبود، پاسخگویی، انتشار اطلاعات و بصیرت افزایی را به عنوان کارکردهای اصلی ارزشیابی برنامه، بیان می‌کند (Stufflebeam & Shinkfield, 2007, 22-26). ارزشیاب باید به دنبال این باشد که به جامعه هدف و ذی‌نفعان ارزیابی، بصیرتی جدید نیز ارائه کند که منحصر به برنامه مورد ارزیابی نیست. این کار در ارزیابی با هدف بصیرت‌افزایی صورت می‌گیرد. گاهی هم هدف از ارزشیابی، ترویج یک موضوع بین جامعه هدف خاصی است. برای مثال ارزیابی و مقایسه دو محصول و انتشار نتیجه آن، به صورت خودکار منجر به تبلیغ محصول باکیفیت‌تر خواهد شد.

ب) تحول علوم انسانی: وقتی صحبت از تحول علوم انسانی می‌شود، مباحث علمی گسترده‌ای پیش روی انسان قرار می‌گیرد که گاهی مبانی علمی فلسفی تحول، ضرورت و امکان آن را شامل می‌شود و مباحث عمیق و گسترده پیرامون علم دینی، علوم انسانی اسلامی و امثال آن در این دسته قرار می‌گیرند. در این بین، گاهی اوقات نیز به مباحث چگونگی تحول علوم انسانی که تجلی‌گاه مبحث مهم مدیریت تحول علوم انسانی است نیز پرداخته می‌شود. ارائه نظراتی چون مدیریت راهبردی تحول علوم انسانی (خسروپناه، ۱۳۹۳) تبیین عوامل مؤثر در مدیریت تحول، عوامل معرفتی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی (آذربایجانی و کاظمینی، ۱۳۹۴) و اولویت‌بندی الزامات مدیریت تحول در علوم انسانی (گودرزی، ۱۳۹۴)، از جمله پژوهش‌هایی هستند که در موضوع چگونگی تحول علوم انسانی قرار می‌گیرند؛ اما چیستی تحول علوم انسانی، بیانگر مفهوم تحول علوم انسانی به همراه ابعاد و مؤلفه‌های آن است. اگر از حیث نظری بین چیستی و چگونگی تحقق یک شیء تأملی داشته باشیم خواهیم دید که اساساً چگونگی تحقق یک شیء فرع بر چیستی آن است. به عبارت دیگر زمانی که سخن از چگونگی شیء به میان می‌آید لاجرم بر یک نوع چیستی از آن شیء سوار شده است؛ بنابراین پژوهشگران و نظریه‌پردازانی که موضوع مدیریت تحول را در دستور کار خویش قرار داده‌اند لاقلاً بایستی یک تصویر و ذهنیت را از مفهوم تحول، پیش‌فرض بگیرند. آنچه توجه به این تقدم و تأخر را مهم‌تر می‌کند این است که در طول سالیان بعد از انقلاب اسلامی، علاوه بر عرصه نظری، در عرصه اجرا و اقدام نیز فعالیت‌هایی صورت گرفته است. طبیعی است که فعالیت‌ها و اقدامات صورت گرفته، مبتنی بر ذهنیتی مفهومی از تحول علوم انسانی بوده و چنانچه این ذهنیت ناقص و یا اشتباه بوده باشد، اقدامات صورت گرفته نیز حتی با این فرض که به بهترین وجه اجرا شده است، نمی‌تواند آرمان اساسی انقلاب اسلامی را در علوم انسانی محقق کند.



## ۲-۲- پیشینه پژوهش

تاکنون موضوع تحول در علوم انسانی، از زوایای مختلفی مورد کنکاش و دقت نظر علمی قرار گرفته است. روشن است که برای تغییر یک پدیده اجتماعی، ابتدا باید ضرورت تغییر آن برای خطمشی گذاران و بازیگران مرتبط با آن آشکار شود. از این رو پژوهش‌هایی که به ناکارآمدی علوم انسانی فعلی در جامعه ایران پرداخته یا با برشمردن موانع تولید علم و نظریه‌پردازی در علوم انسانی، برخی مشکلات علوم انسانی در ایران را بیان کرده‌اند و به‌صورت ضمنی خواستار تحولی در این علوم بوده‌اند، در این دسته قرار دارند (میرزا پور ارمکی، ۱۳۹۰، پورعزت و همکاران، ۱۳۸۸، سلیمان پور، ۱۳۸۸).

منظر دومی که موضوع تحول در علوم انسانی را مورد پژوهش قرار داده است، منظر چیستی و ماهیت تحول در علوم انسانی بوده است. این پژوهش‌ها عمدتاً به دو دسته تقسیم می‌شوند. عده‌ای از پژوهش‌ها در باب بومی شدن علوم انسانی و چگونگی تحقق این هدف، شکل گرفته‌اند (باقری، ۱۳۸۷، برزگر، ۱۳۸۹). دسته دوم این پژوهش‌ها نیز غایت تحول در علوم انسانی را اسلامی شدن دانسته و سعی کرده‌اند به تبیین امکان علم دینی، معنای علم دینی و علوم انسانی اسلامی بپردازند. کسانی که علم دینی را ممکن دانسته‌اند در معنای علم دینی و ملاک دینی بودن علم لزوماً تصور و تلقی یکسانی از علم دینی نداشته‌اند. در این باب نزدیک به هشت معنای متفاوت از علم دینی ارائه شده است (سوزنچی، ۱۳۸۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۲؛ باقری، ۱۳۸۲).

علاوه بر این کوشش‌های علمی در زمینه علم دینی، با پیشرفت و رشدی که در این زمینه صورت گرفته است، مجال مهیا شد تا دغدغه‌مندانی به پرسش چیستی علوم انسانی اسلامی بپردازند. مبانی علوم انسانی اسلامی (شریفی، ۱۳۹۳) و در جستجوی علوم انسانی اسلامی (خسروپناه، ۱۳۹۳) از جمله آثاری هستند که سعی دارند پاسخی عالمانه برای این پرسش مهیا کنند. بعد از تلاش‌های علمی در بیان ضرورت و چیستی تحول در علوم انسانی، نوبت به چگونگی آن می‌رسد. چگونگی و روش‌های دست یافتن به علوم انسانی اسلامی مسئله پژوهش‌های بسیاری بوده است. در اینجا رویکردهای مختلفی برای تحقق علوم انسانی اسلامی مطرح است. رویکرد تهذیبی که معتقد است تنها بایستی برخی گزاره‌های ناسازگار با مبانی دینی را از علوم انسانی کنار بگذاریم (باقری، ۱۳۸۲) و رویکرد تأسیسی که قائل است اساساً باید گزاره‌های علوم انسانی بر مبنای جدیدی تولید و تأسیس شوند، از جمله رویکردهای شناخته شده در این حوزه است. ارائه روش‌شناسی‌های بنیادین از منظر اسلام که به سؤالات یک مکتب پژوهشی پاسخ می‌دهد و همچنین بیان مواضع هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و



انسان‌شناختی اسلام که روی هم رفته مبانی علوم انسانی اسلامی به شمار می‌روند و بخشی از مواد نظری لازم برای تولید و فهم چگونگی تحقق علوم انسانی اسلامی هستند نیز در این دسته جای می‌گیرند (امین پور، ۱۳۹۰، پارسانیا، ۱۳۸۸). در گام بعدی ارائه مدل‌های عملیاتی تولید علم دینی و علوم انسانی اسلامی که در قالب رویکردهای فلسفه مضاف (سوزنچی، ۱۳۹۱)، مکانیسم اجتهاد (حسینی و همکاران، ۱۳۸۹) و الگوی حکمی - اجتهادی (خسروپناه، ۱۳۹۰، زمانیها، ۱۳۹۳) بیان شده‌اند دسته دیگری از پژوهش‌های این حوزه مطالعاتی هستند.

آخرین حوزه پژوهشی مرتبط با موضوع تحول در علوم انسانی، مباحث مربوط به مدیریت تحول است. این حوزه پژوهشی به دنبال این است که عوامل و علل تأثیرگذار در تحول علوم انسانی کشف شده تا از طریق مدیریت آنها بتوان علوم انسانی را به سرمنزل مقصود رساند (آذربایجانی و کاظمینی، ۱۳۹۴). آنچه جای خالی خود را در بین این پژوهش‌ها نشان می‌دهد و خلأ آن به صورت ملموس احساس می‌شود، پژوهش‌هایی است که به ارائه راهکارها و خط‌مشی‌های تحول در علوم انسانی می‌پردازد. البته در این باب نیز برخی دغدغه‌مندان، تلاش‌های علمی خود را عرضه کرده‌اند. برخی از این آثار بیشتر راهبردهای کلان تحول در علوم انسانی را ارائه کرده (سوزنچی، ۱۳۸۸، دانایی‌فرد، ۱۳۸۸) که بایستی با تطبیق این راهبردها به شرایط حاضر کشور تبدیل به خط‌مشی شوند. از سوی دیگران در این میان تاکنون تلاش‌های درخوری برای واکاوی اندیشه مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) از منظر تحول در علوم انسانی که بتواند مدل مفهومی اندیشه معظم‌له را در این زمینه ترسیم کند صورت نگرفته است. شاید بتوان از بررسی وضعیت علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران و جایگاه علوم انسانی از منظر مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) به عنوان برخی از پژوهش‌های مرتبط در این حوزه نام برد (مروتی، ۱۳۸۹، میرزابابایی، ۱۳۸۹).

جدول ۱- طبقه‌بندی موضوعی پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه تحول علوم انسانی

|   |                        |               |                     |
|---|------------------------|---------------|---------------------|
| ضرورت تحول در علوم انسانی                     |                        | چرایی و ضرورت | تحول در علوم انسانی |
| موانع تولید علم و نظریه‌پردازی در علوم انسانی |                        |               |                     |
| بومی شدن علوم انسانی                          |                        | چیستی و ماهیت |                     |
| امکان علم دینی                                | اسلامی شدن علوم انسانی |               |                     |
| معنای علم دینی                                |                        |               |                     |
| معنای علوم انسانی اسلامی                      |                        |               |                     |



|   |                                    |                            |                     |
|---|------------------------------------|----------------------------|---------------------|
| رویکردهای مختلف به تولید علوم انسانی اسلامی (تأسیسی، تهذیبی و...) |                                    | چگونگی و فرایند            | تحول در علوم انسانی |
| بایدها و نبایدهای اسلامی سازی علوم انسانی                         |                                    |                            |                     |
| روش‌شناسی‌های بنیادین (مکتب اجتماعی)                              | مبانی علوم انسانی اسلامی           |                            |                     |
| مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی                     |                                    |                            |                     |
| رویکرد تولید فلسفه مضاف   | روش‌شناسی تولید علوم انسانی اسلامی |                            |                     |
| رویکرد اجتهادی  |                                    |                            |                     |
| رویکرد حکمی-اجتهادی   |                                    |                            |                     |
| بایسته‌های تحول در علوم انسانی                                    |                                    | مدیریت تحول در علوم انسانی |                     |
| عوامل مؤثر بر تحول  |                                    |                            |                     |
| بازیگران این عرصه   |                                    |                            |                     |
| خط‌مشی‌های ملی تحول در علوم انسانی                                |                                    |                            |                     |

در این پژوهش با گذر از معانی متفاوت ارائه‌شده از تحول علوم انسانی - که خود مجال مفصلی می‌طلبد - در ابتدا به دنبال یافتن ابعاد و مؤلفه‌های تحول علوم انسانی در سیاست‌های کلی نظام و فرمایشات رهبری معظم انقلاب هستیم تا با مبنا قرار دادن مؤلفه‌های بدست آمده، ارزیابی عملکردی از اقدامات اجرا شده در این باب انجام شود.

### ۳- روش پژوهش

فرآیند این پژوهش پس از مرور مبانی نظری و پیشینه، در قالب نمودار ۱ نشان داده شده است. در گام نخست به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، با استفاده از روش کیفی تحلیل مضمونی، مؤلفه‌های تحول در علوم انسانی، شناسایی شد. چندبُعدی بودن مقوله تحول علوم انسانی که سرشار از معانی و مصنوعات انسانی است، راهی جز توسل به روش‌های کیفی در بین روش‌های تحقیق موجود، باقی نمی‌گذارد. برای فهم و یافتن مؤلفه‌های تحول علوم انسانی ضروری بود که سیاست‌هایی مانند سیاست‌های کلی برنامه پنجم و ششم، سیاست‌های کلی علم و فناوری و همچنین بیانات رهبر معظم انقلاب به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین افرادی که دغدغه تحول علوم انسانی را مطرح کرده و مصرانه به مطالبه آن پرداخته‌اند، مورد تحلیل قرار گیرند. در گام دوم بر اساس روش تحلیل اهمیت-عملکرد، اولویت هر یک از مؤلفه‌های شناسایی شده، تعیین می‌شود.







نمودار ۱- فرایند پژوهش به منظور تحلیل اهمیت عملکرد خط مشی تحول علوم انسانی

### ۳-۱- تحلیل مضمونی

تحلیل مضمونی، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006). تحلیل مضمونی، عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند (محمدپور، ۱۳۹۰، ص ۶۶). مضمون، چیزی مهم درباره سؤال تحقیق است که نماینده سطوحی از پاسخ‌ها یا معانی الگومند در درون مجموعه‌ای از داده‌ها است. (Braun & Clarke, 2006) ریچارد بویاتزیس در کتاب خود با عنوان «تبدیل اطلاعات کیفی: تحلیل مضمونی و کدگذاری»، مضمون را الگویی تعریف می‌کند که در اطلاعات کشف می‌شود و حداقل به توصیف و سازمان‌دهی مشاهدات ممکن و حداکثر به تفسیر وجوه پدیده می‌پردازد (Boyatzis, 1998, p 4). در روش تحلیل مضمونی، شناسایی مضامین می‌تواند در سطح معنایی یا صریح و یا ضمنی و تفسیری باشد (Boyatzis, 1998, p 16). تحلیل مضمون بنیاد، به‌طور اولیه بر سطح اول متمرکز می‌شود. در این سطح- سطح آشکار یا معنایی- مضامین درون معانی آشکار داده‌ها یا لایه‌های رویه‌ای آنها شناسایی می‌شوند و محقق به دنبال چیزی فراتر از آنچه مشارکت‌کنندگان بیان نموده و یا داده‌ها به آنها اشعار دارند نیست. در مقابل، تحلیل مضمون در سطح ضمنی، فراتر از معانی صریح داده‌ها رفته و شروع به شناسایی یا ارزیابی ایده‌ها، مفروضات و ایده‌هایی که به‌مثابه شکل‌دهنده محتوای صریح هستند، می‌پردازد (Braun & Clarke, 2006, p 84, Joffe & Yardley, 2004, p 57). در این تحقیق از رویکرد سه مرحله‌ای کدگذاری توصیفی، کدگذاری تفسیری و کدگذاری یکپارچه سازی استفاده شده است. (King, 2010, p153)



### ۳-۲- تحلیل اهمیت- عملکرد (IPA)

تحلیل اهمیت - عملکرد، یک ابزار مدیریتی مشهور است که در سال‌های اخیر به‌طور گسترده‌ای برای شناسایی نقاط قوت و ضعف برندها، محصولات، خدمات و مؤسسات در صنایع گوناگون به کار می‌رود (آذر و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۷۷). تحلیل اهمیت عملکرد به‌عنوان یک ابزار ارزشیابی، از طریق ایجاد تجسمی داده‌هایی که بازخور فوری فراهم می‌کند، می‌تواند برای تصمیم‌گیری‌های بهبودی سریع و اثربخش مورد استفاده قرار گیرد (Siniscalchi, et.al, 2008,34). این تکنیک بدین گونه عمل می‌کند که پژوهشگر ابتدا مؤلفه‌ها یا شاخص‌های متغیری که می‌خواهد مورد سنجش قرار دهد از مرور ادبیات نظری پژوهش یا مصاحبه و... بدست می‌آورد. پس از آن محقق، پرسشنامه دوقلویی طراحی کرده که در آن پاسخ‌دهندگان نظر خود را نسبت به هر مؤلفه در دو بعد اهمیت و عملکرد در قالب نمراتی که می‌دهند مشخص می‌کنند. در گام بعدی پس از انجام تحلیل‌های ریاضی بر روی امتیازات بدست آورده شده، فاصله بین وضعیت مطلوب و وضعیت موجود را از دریچه نگاه پاسخ‌دهندگان مشخص می‌کند و در نهایت مبتنی بر نگرش‌های به‌دست آمده، اولویت‌بندی از مؤلفه‌ها ارائه می‌دهد.

اگرچه این تکنیک در خاستگاه خود، ابزاری طراحی شده توسط مارتیلا و جیمز برای بازاریابی و نگرش‌سنجی مشتریان بود (Martilla & James, 1977) ولی منطق عام آن به‌گونه‌ای است که قابلیت نگرش‌سنجی برای بهبود تصمیم‌گیری در زمینه‌های مختلفی را داراست. این تکنیک در عرصه‌های مختلفی چون توریسم (Azzopardi & Nash, 2013; Chu & Choi, 2000; Coghlan, 2012; Dwyer, et.al, 2012; Enright Tontini & Ziegler, et.al, 2012; Oh, 2001; Newton, 2004) خدمات غذایی (Silveira, 2007) آموزش (O'Neil, 2000; Nale, et.al, 2000; Alberty & Mihalik, 1989) مراقبت‌های پزشکی، (Palmer, 2004) و (Dolinsky & Caputo, 1991; Hawes & Palmer, 2004) بانکداری (Rao, 1985) (Joseph et.al, 2005; Yeo, 2003)، مدیریت دولتی، (Van Ryzin & Immerwahr, 2007) تجارت الکترونیک (Levenburg & Magal, 2005) و فناوری‌های اطلاعاتی (Skok, et.al, 2001) به کار گرفته شده است.

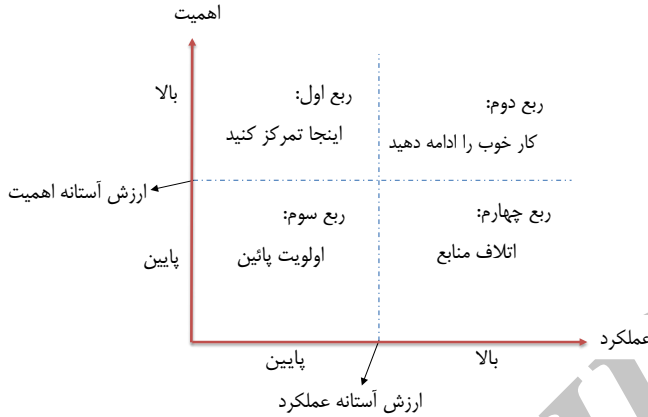
### ۳-۲-۱- مدل ربعی تحلیل اهمیت- عملکرد

رویکرد سنتی به تحلیل اهمیت-عملکرد توسط ماتریس دوبعدی ساختاردهی می‌شود. این ماتریس از دو محور تشکیل شده است که محور عمودی آن اهمیت و محوری افقی آن عملکرد را نشان می‌دهند. این ماتریس به چهار ربع تقسیم می‌شود.

1. Importance - Performance Analysis

2. Quadrant Model





نمودار ۲- مدل ربعی تحلیل اهمیت - عملکرد (آذر و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۷۹)

### ۳-۳- جامعه آماری و نمونه پژوهش

در بخش تحلیل اهمیت و عملکرد مؤلفه های شناسایی شده، نظر مجموعه ای از اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاه ها که هر کدام به نوعی درگیر با موضوع تحول علوم انسانی بوده اند، کسب گردید. چرا که نگرش و نظر آنها رهنمودهای اثربخشی برای خط مشی تحول علوم انسانی خواهد داشت و از طرفی دیگر آنان هم مخاطب و هم مجری این خط مشی هستند و لذا ذی نفع محسوب نمی شوند که نظر دادن آنها بتواند محافظه کارانه باشد؛ بنابراین جامعه آماری این پژوهش، پژوهشگران و فعالان تحول علوم انسانی در رشته های مختلف هستند که ضمن اعتقاد به لزوم تحول علوم انسانی مبتنی بر مبانی دینی و نیازهای بومی، در این زمینه فعالیت نیز داشته اند؛ اما با توجه به عدم دسترسی به همه آنها، ناگزیر با قرار دادن معیارهایی به نمونه گیری اقدام شده است. این معیارها عبارتند از: اعتقاد به لزوم تحول علوم انسانی در کشور ایران، داشتن فعالیت علمی در زمینه تحول علوم انسانی اعم از تألیف کتاب، مقاله، تدریس، سخنرانی علمی، داشتن پختگی و تجربه نسبتاً زیاد در عرصه آموزش و پژوهش علوم انسانی (حداقل ۵ سال تدریس) و... مشخصات اجمالی خبرگان پاسخ دهنده به پرسشنامه به صورت زیر است:

جدول ۲- مشخصات پاسخ دهندگان به پرسشنامه ها

| رتبه علمی | رشته تخصصی       | تعداد | رتبه علمی | رشته تخصصی       | تعداد |
|-----------|------------------|-------|-----------|------------------|-------|
| استاد     | علوم سیاسی       | ۱     | استادیار  | علوم اقتصادی     | ۱     |
|           | مدیریت           | ۲     |           | علوم سیاسی       | ۱     |
| دانشیار   | علوم اقتصادی     | ۲     |           | فرهنگ و ارتباطات | ۱     |
|           | فرهنگ و ارتباطات | ۲     |           | فلسفه            | ۱     |
|           | مدیریت           | ۱     | مدیریت    | ۴                |       |

تعداد پاسخ دهندگان: ۱۶ نفر



## ۴- یافته های پژوهش

### ۴-۱- مؤلفه های تحول علوم انسانی

همان گونه که پیشتر اشاره شد در این پژوهش، شناخت مؤلفه های تحول در علوم انسانی با تأکید بر اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) مورد توجه بوده است. حقیقت این است که رهبر معظم انقلاب اسلامی، تاکنون به صورت مستقیم و صریح به بیان ابعاد علوم انسانی مطلوب نپرداخته‌اند بلکه ایشان در مقام انتقاد از وضعیت فعلی این علوم برآمده‌اند. همچنین در مواردی برای بهبود وضعیت نامطلوب فعلی، راهکارها و پیشنهادهایی ارائه کرده‌اند. از این رو چنانچه بخواهیم ویژگی های علوم انسانی مطلوب جمهوری اسلامی را در اندیشه ایشان استخراج کنیم راهی جز توسل به دلالت‌های التزامی بیانات ایشان نیست. با توجه به اینکه روش تحلیل مضمون ضمنی بیشترین تطابق را با اهداف پژوهش دارد، این روش مورد استفاده قرار گرفته است. در این قسمت از پژوهش، تمامی گزاره‌های مقام معظم رهبری که به نوعی جنبه انتقادی به علوم انسانی فعلی داشته است و همچنین راهکارهایی که نتیجه عملیاتی شدن آن‌ها، به ارمغان آورنده یک ویژگی مطلوب در علوم انسانی است آورده می‌شود تا با تحلیل و جمع‌بندی این ویژگی‌ها، بتوانیم مؤلفه های تحول علوم انسانی را استخراج نمائیم. داده‌های موردنیاز این پژوهش، تمام بیانات، پیام‌ها و مواضع مقام معظم رهبری (دام‌ظله العالی) با موضوع تحول در علوم انسانی است که در قالب سخنرانی، نامه‌ها، احکام انتصاب و ابلاغیه‌های سیاست‌های کلی منتشر شده‌اند. از این رو هیچ‌گونه نمونه‌گیری نشده است. در این پژوهش، گردآوری داده‌ها از طریق جست‌وجو با کلیدواژه‌های «تحول علوم انسانی»، «علوم انسانی» و «علم» در آثار مقام معظم رهبری صورت گرفته است. در نهایت تعداد ۳۸ سخنرانی و ۶ متن که شامل نامه، ابلاغیه سیاست‌ها و حکم انتصاب مرتبط با موضوع علوم انسانی می‌شوند مورد تحلیل قرار گرفت. پس از شناسایی متون مرتبط، کدگذاری داده‌ها انجام شد. برای اطمینان بیشتر از جمع‌آوری همه داده‌های مرتبط، بعد از مراحل کدگذاری بار دیگر به جستجوی مطالب مرتبط پرداخته شد و در نهایت در بعضی از منابع رسمی مقداری به داده‌های اولیه افزوده شد. کدگذاری مطالب به دست‌آمده تا رسیدن به اشباع نظری، یعنی مرحله‌ای که مطالعه و تحلیل مطالب دیگر معظم‌له، کد تازه‌ای به کدهای قبلی اضافه نمی‌کرد، ادامه یافت. برای اطمینان از روایی پژوهش، کدهای به دست‌آمده به همراه متون آنها، برای بار دوم و سوم مورد مطالعه قرار گرفت که در این مرحله تغییرات جزئی در کدگذاری انجام شده، صورت گرفت. مضامین سازمان دهنده و مؤلفه های مرتبط شناسایی شده



به تفکیک مضامین فراگیر در قالب جداول ۲ تا ۵ معرفی شده است.

جدول ۳- مضامین بدست آمده در حوزه ساختار

| مضمون فراگیر | مضمون سازمان دهنده              | مؤلفه های علوم انسانی مطلوب (مضمون ضمنی)                               | مضامین صریح شناسایی شده   |
|--------------|---------------------------------|--|---|
| ساختار       | همراهی علم و دین                | تعامل سازمانی حوزه و دانشگاه   | جدایی علم و دین از یکدیگر <sup>۱</sup>                            |
|              |                                 | وجود فضای دینی و معنوی در مراکز آموزشی و پژوهشی علوم انسانی            | همراهی تدین و علم آموزی در دانشگاهها <sup>۳</sup>                 |
|              | ورودی مناسب                     | جذب افراد مستعد و باانگیزه به علوم انسانی                              | جذب افراد مستعد و باانگیزه <sup>۴</sup>                           |
|              |                                 | جذابیت در فراگیری و کسب تخصص در علوم انسانی                            | ایجاد امتیازاتی در فراگیری و کسب تخصص در علوم انسانی <sup>۵</sup> |
|              | توجه ویژه به علوم انسانی اسلامی | رشد کمی و کیفی اساتیدی که با مبانی اسلامی مأنوس هستند.                 | کنار زده شدن اساتیدی که با مبانی اسلامی مأنوس هستند <sup>۶</sup>  |
|              |                                 | تشویق و حمایت تزه های علوم انسانی اسلامی                               | بی مهری نسبت به تزه های اسلامی <sup>۷</sup>                       |
|              | شیوه های آموزشی                 | تناسب برنامه ها و روش های آموزشی در علوم انسانی                        | اصلاح و بازنگری در برنامه ها و روش های آموزشی <sup>۸</sup>        |
|              | فعالیت های پژوهشی               | استقرار تعداد مناسب و باکیفیت مراکز و فعالیت های پژوهشی در علوم انسانی | ارتقاء کمی و کیفی مراکز و فعالیت های پژوهشی <sup>۹</sup>          |
|              |                                 | استقرار نظام اعتبارسنجی علوم انسانی اسلامی                             | تأسیس مرکز آی اس آی اسلامی به عنوان یک مرجع معتبر <sup>۱۰</sup>   |
|              | ارزیابی عملکرد                  | تناسب معیارهای نخبگی در علوم انسانی                                    | انتخاب درست معیارهای نخبگی در علوم انسانی <sup>۱۱</sup>           |

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب ۱۳۶۸/۰۹/۲۹

۲. بیانات در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۶/۶/۱۲

۳. بیانات در دیدار وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاه های سراسر کشور ۱۳۶۹/۰۵/۲۳

۴. سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه ۱۳۸۷/۱۰/۲۱

۵. دیدار با شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی ۸۵/۱۱/۰۲

۶. دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۷۱/۰۹/۱۹

۷. دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۷۱/۰۹/۱۹

۸. سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه ۱۳۸۷/۱۰/۲۱

۹. سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه ۱۳۸۷/۱۰/۲۱

۱۰. بیانات در دیدار جمعی از رؤسای دانشگاه ها ۱۳۸۳/۱/۱۷

۱۱. بیانات در دیدار شرکت کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۱/۰۷/۱۲



در اینجا ساختار علوم انسانی به عنوان اولین مضمون فراگیر، به معنای روندهای پذیرش دانشجو، نظامات آموزشی و پژوهشی، ساخت محیط آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها، روند ارتقای اساتید و اعضای هیئت علمی و... است.

یکی از انتقادات مقام معظم رهبری به علوم انسانی فعلی، بنای اولیه ضد دینی دانشگاه‌هاست. از بدو تأسیس دانشگاه در ایران، سیاست داخلی و خواسته استعمارگر خارجی اقتضا می‌کرد که دو نهاد علم (دانشگاه) و دین (حوزه) نه تنها از یکدیگر جدا بوده بلکه نسبت به همدیگر بدبین نیز باشند. همچنین تفکر حاکم بر سیاستمداران داخلی در قیل از انقلاب اسلامی این گونه بود که پیشرفت و توسعه از طریق کنار گذاشتن ارزش‌ها و احکام دینی در محیط‌های علمی حاصل می‌شود؛ بنابراین علوم انسانی در وضعیت مطلوب جمهوری اسلامی در بعد ساختار نبایستی به صورت جداگانه از ارزش‌ها و جهان بینی دینی، آموزش داده شود.

ورود افراد مستعد و باانگیزه در علوم انسانی، امر لازمی برای تحول علوم انسانی است که متأسفانه سال‌هاست مغفول مانده است. متأسفانه در وضعیت فعلی، اکثریت استعداد‌های برتر و نخبه ترجیحی برای انتخاب علوم انسانی به عنوان زمینه تخصصی خود ندارند. پیوند جدی علوم انسانی با بازار کار و برخورداری از امتیازات دیگر همچون فراگیران دیگر رشته‌های دانشگاهی نیز می‌تواند موجب تأمین ورودی مناسب نهاد علوم انسانی گردد.

نکته دیگر در بعد ساختار نهاد علوم انسانی، توجه ویژه به علوم انسانی اسلامی است. بدین معنا که رویه‌های اداری و قوانین علوم انسانی در ایران باید به گونه‌ای باشند که اساتید و اعضای هیئت علمی آن ضمن اینکه خود با مبانی دینی و آموزه‌های اسلامی متناظر با رشته تخصصی خود آشنا و بلکه مسلط می‌شوند، شاهد رشد کمیت و کیفیت پایان‌نامه‌ها و تزهایی که جنبه اسلامی داشته و به دنبال استنباط نظر اسلام در موضوع تخصصی رشته‌های علوم انسانی هستند باشیم. شیوه‌های آموزشی علوم انسانی در کشور ما متأسفانه حافظه‌محور است در نتیجه فارغ‌التحصیلان علوم انسانی به جای اینکه مهارت و تخصصی ویژه کسب کنند صرفاً حافظه‌های خود را از گزاره‌های تخصصی پر کرده‌اند و بر همین اساس یکی از نقاط مهم در تحول، بهبود شیوه‌های آموزشی است. همچنین تأسیس و مبنا قرار گرفتن یک پایگاه استنادی مبتنی بر شاخص‌های اسلامی و به تعبیر رهبر انقلاب، مرکز آی اس آی اسلامی، این نقش مهم را در تحول علوم انسانی ایفا می‌کند که پژوهشگران علوم انسانی برای تولید مقالات برتر خود به آن مراجعه می‌کنند و این در حالی است که در وضعیت فعلی، مقالاتی



بالاترین درجه علمی را پیدا می کند که مبتنی بر شاخص ها و نیازهای جوامع غربی در پایگاه ISI نمایه شود.

از سوی دیگر ماهیت خاص و تمایزات جدی که علوم انسانی با علوم فنی مهندسی و پزشکی دارد، مستلزم تعریف معیارهای ارزیابی ویژه و متمایزی برای ارزیابی عملکرد پژوهشگران این حوزه است. تعریف معیارهای ویژه علوم انسانی در ارتقای اعضای هیئت علمی و آیین نامه آن و معیارهای نخبگی در قوانین بنیاد نخبگان می تواند تأثیر قابل توجهی در تحول علوم انسانی داشته باشد.

جدول ۴- مضامین بدست آمده در حوزه محتوا

| مضمون فراگیر | مضمون سازمان دهنده | مؤلفه های علوم انسانی مطلوب (مضمون ضمنی)  | مضامین صریح شناسایی شده   |
|--------------|--------------------|---|---|
| محتوا        | اسلامی بودن        | ابتناء نظریات علوم انسانی بر مبانی اسلامی | مبانی غلط علوم انسانی <sup>۱۰</sup> و <sup>۱۱</sup> ۴۵          |
|              |                    | داشتن تعداد کافی کتاب های درسی            | نداشتن کتاب آماده <sup>۶</sup>                                  |
|              |                    | محک خوردن علوم انسانی غربی با مبانی دینی  | ورود علوم انسانی به صورت ترجمه ای <sup>۷</sup>                  |
|              |                    | اصلاح و بازنگری متون آموزشی علوم انسانی   | اصلاح و بازنگری در متون آموزشی <sup>۸</sup>                     |
|              | بومی بودن          | تناسب نظریات با نیازهای بومی              | عدم تناسب با نیازهای کشور <sup>۹</sup> و <sup>۱۰</sup>          |
|              |                    | همسازی علوم انسانی با فرهنگ ملی و اسلامی  | عدم همسازی علوم انسانی با فرهنگ ملی و اسلامی کشور <sup>۱۱</sup> |

مضمون فراگیر دوم که از آن به عنوان محتوا تعبیر شده است، شامل کتب درسی و کمک درسی و دیگر متون علوم انسانی است که ممکن است لزوماً به عنوان کتاب درسی ارائه نشوند ولی مورد توجه دغدغه مندان این حوزه علمی قرار بگیرند. باید اذعان کرد که بیشترین انتقاد رهبر انقلاب به علوم انسانی فعلی متوجه محتوای آموزشی علوم

۱. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی ۱۳۹۰/۰۷/۱۳

۲. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه ها ۱۳۹۳/۰۴/۱۱

۳. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه ها ۱۳۸۸/۰۶/۰۸

۴. بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۸۹/۰۵/۳۱

۵. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه ها ۱۳۸۹/۰۶/۱۴

۶. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه ها ۱۳۸۸/۰۶/۰۸

۷. بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور ۱۳۸۸/۰۷/۲۸

۸. سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه ۱۳۸۷/۱۰/۲۱

۹. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه ها ۱۳۸۹/۰۶/۱۴

۱۰. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه ها ۱۳۸۸/۰۶/۰۸

۱۱. دیدار مقام معظم رهبری با اعضای شورای بررسی متون در تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۰۲



انسانی و خصوصاً مبانی غلط بر پایه تفکرات مادی آن بوده است. محتوای علوم انسانی مطلوب و مدنظر دو ویژگی مهم دارند: اسلامی بودن و بومی بودن. اسلامی بودن علوم انسانی ناظر به ابتناء علوم انسانی بر مبانی معرفتی، هستی شناختی، انسان شناختی و ارزش شناختی اسلام است.

بومی بودن و تناسب نظریات علوم انسانی نیز حداقل دو جنبه اساسی دارد. یک جنبه این است که نظریات علوم اجتماعی که جنبه توصیفی دارند؛ بایستی توصیف گر کنش های اجتماعی شکل گرفته در بستر کشور باشند نه اینکه توصیف گر کنش های جمعی افراد، گروه ها و جوامعی باشند که ویژگی های متفاوتی با جامعه ایرانی دارند. جنبه دیگر بومی شدن علوم انسانی مربوط به پژوهش های کاربردی می شود. این سنخ پژوهش ها که برای حل مسائل خاصی طراحی می شوند باید معطوف به مسائل، نیازها و اولویت های کشور باشند. ایران اسلامی بعضاً با مسائل اجتماعی، درگیر است که اساساً در جوامع غربی مسئله محسوب نمی شوند تا بخواهند مورد پژوهش و کنکاش عالمان اجتماعی قرار گیرند.

جدول ۵- مضامین بدست آمده در حوزه افراد

| مضمون فراگیر | مضمون سازمان دهنده | مؤلفه های علوم انسانی مطلوب (مضمون ضمنی)                  | مضامین صریح شناسایی شده                              |
|--------------|--------------------|---|--|
| افراد        | استعداد و انگیزه   | فعالیت افراد مستعد و باانگیزه در حوزه علوم انسانی         | جذب افراد مستعد و باانگیزه <sup>۱</sup>              |
|              | اعتماد به نفس      | وجود روحیه آزاداندیشی و جسارت علمی در کنشگران علوم انسانی | نبود شجاعت علمی <sup>۲و۳</sup>                       |
|              |                    | دارا بودن اعتماد به نفس ملی                               | غرب زدگی <sup>۴و۵</sup>                              |
|              | نوآوری             | خودآگاهی نسبت به مفاهیم و تئوری های غربی                  | خودآگاهی جمعی نسبت به فرهنگ وارداتی غرب <sup>۶</sup> |
|              |                    | غالب بودن روحیه تحقیق گری و اجتهاد                        | تقلید گرایی <sup>۷</sup>                             |
|              |                    | رصد تحولات جدید   | بی خبری از تحولات جدید <sup>۸</sup>                  |

۱. سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه ۱۳۸۷/۱۰/۲۱

۲. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه السلام) ۱۳۸۴/۱۰/۲۹

۳. سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه ۱۳۸۷/۱۰/۲۱

۴. بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه های استان همدان ۱۳۸۳/۰۴/۱۷

۵. دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۷۱/۰۹/۱۹

۶. بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

۷. بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه های استان همدان ۱۳۸۳/۰۴/۱۷

۸. بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه های استان همدان ۱۳۸۳/۰۴/۱۷





| مضمون فراگیر | مضمون سازمان دهنده | مؤلفه های علوم انسانی مطلوب (مضمون ضمنی)     | مضامین صریح شناسایی شده                                     |
|--------------|--------------------|--|---|
| افراد        | اسلام‌گرایی        | وجود تعداد کافی اساتید معتقد به مبانی اسلامی | کم بودن اساتیدی که معتقد به مبانی اسلامی هستند <sup>۱</sup> |

سومین مضمون فراگیر شناسایی شده با عنوان افراد، شامل دانشجویان، اساتید، خط‌مشی‌گذاران و مدیران حوزه علوم انسانی در کشور می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بخشی از مضامین بدست آمده مربوط به ویژگی‌های افراد، کنشگران یا بازیگران نهاد علوم انسانی است. ویژگی مهم اول، ورود افراد مستعد و باانگیزه در علوم انسانی است که توضیح آن ذیل مضمون فراگیر ساختار آمده بود. علت تکرار مجدد این ویژگی در این است که در آنجا مضمون سازمان دهنده آن، ورودی مناسب بود ولی در اینجا مضمون سازمان دهنده، استعداد و انگیزه (یکی از ویژگی‌های فردی) است.

خودآگاه شدن نسبت به مفاهیم و تئوری‌های غربی به معنای اشراف به خاستگاه فرهنگی اجتماعی تکوین آنها و فهم این نکته که چنین مفاهیم و نظریه‌هایی در نسبت با جهان بینی اسلامی و نظام ارزشی آن بیگانه هستند، بی‌شک شرط لازم تحرک و تحول است. وجود روحیه آزاداندیشی، اعتماد به نفس ملی به معنی باور به استعدادها و توانایی‌های ملی و اعتماد به نفس شخصی که از ملزومات نظریه پردازی است، نوآور بودن که خود مستلزم رصد تحولات جدید علمی و رساندن خویش در مرزهای علم است و در نهایت اسلام‌گرایی به معنای ایمان به جهان بینی اسلامی، چهار مضمون سازمان دهنده نهاد علوم انسانی، مطلوب جمهوری اسلامی هستند.

جدول ۶- مضامین بدست آمده در حوزه فرهنگ عمومی

| مضمون فراگیر | مضمون سازمان دهنده      | مؤلفه های علوم انسانی مطلوب (مضمون ضمنی)  | مضامین صریح شناسایی شده       |
|--------------|-------------------------|---|-------------------------------|
| فرهنگ عمومی  | ادراک اهمیت علوم انسانی | روشن شدن اهمیت علوم انسانی در فرهنگ عمومی | تقویت جایگاه و منزلت این علوم |
|              |                         | فهم اهمیت علوم انسانی در باور مسئولین     |                               |

عدم ادراک اهمیت علوم انسانی و تأثیر بی‌بدیل علوم انسانی در تعیین مسیر حرکت و سرنوشت جامعه چه در فرهنگ عمومی و چه در دیدگاه مسئولین کشوری سبب کم‌توجهی و بی‌رغبتی به علوم انسانی در کشور شده است؛ بنابراین تقویت جایگاه و منزلت علوم انسانی نیز بدان معنی است که این علوم در فرهنگ عمومی و

باور مسئولین جایگاه شایسته خود را در مقایسه با علوم مشابه پیدا کنند. رهبر معظم انقلاب با آوردن عبارت «تقویت جایگاه و منزلت علوم انسانی» در سیاست‌های کلی نظام، این موضوع را مورد توجه و تأکید قرار داده اند.

جمع بندی و ساختار یکپارچه مؤلفه‌های تحول علوم انسانی که بر مبنای فرمایشات مقام معظم رهبری استنباط شده است در جدول شماره ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷- ابعاد و مؤلفه‌ها تحول در علوم انسانی

| مؤلفه های عملکردی <sup>۱</sup>                                     | مؤلفه‌ها                                   | ابعاد                   | تحول در علوم انسانی |
|--|--|-------------------------|---------------------|
| برقراری تعامل سازمانی حوزه و دانشگاه                               | همراهی علم و دین                           | ساختار                  |                     |
| ایجاد فضای دینی و معنوی در مراکز آموزشی و پژوهشی علوم انسانی       | توجه ویژه به علوم انسانی اسلامی            |                         |                     |
| رشد کمی و کیفی اساتیدی که با مبانی اسلامی مأنوس هستند.             | رشد تشریحی علوم انسانی اسلامی              |                         |                     |
| رشد تشریحی علوم انسانی اسلامی                                      | شیوه‌های آموزشی                            |                         |                     |
| استقرار برنامه‌ها و روش‌های مناسب آموزشی در علوم انسانی            | فعالیت‌های پژوهشی                          | محتوا                   |                     |
| استقرار تعداد کافی و باکیفیت مراکز و فعالیت‌های پژوهشی علوم انسانی | استقرار نظام اعتبارسنجی علوم انسانی اسلامی |                         |                     |
| جذب افراد مستعد و باانگیزه به علوم انسانی                          | ورودی مناسب                                |                         |                     |
| ایجاد امتیاز برای فراگیری و کسب تخصص در علوم انسانی                | ارزیابی عملکرد                             |                         |                     |
| تناسب بخشی معیارهای نخبگی در حوزه علوم انسانی                      | اسلامی بودن                                | افراد                   |                     |
| ابتناء نظریات علوم انسانی بر مبانی اسلامی                          | بومی بودن                                  |                         |                     |
| تهیه تعداد کافی کتاب‌های درسی علوم انسانی اسلامی                   | تناسب نظریات با نیازهای بومی               |                         |                     |
| محک خوردن علوم انسانی غربی با مبانی دینی                           | همسازی علوم انسانی با فرهنگ ملی و اسلامی   |                         |                     |
| رشد تحقیقات اسلامی و بومی  | تقویت اعتمادبه‌نفس ملی                     | تقویت اعتمادبه‌نفس شخصی |                     |
| تناسب نظریات با نیازهای بومی                                       | تقویت اعتمادبه‌نفس شخصی                    |                         |                     |

۱. در اینجا سعی شده است مضامین ضمنی بدست آمده به زبان مدیریتی ترجمه شود تا بتوان از آنها تحت عنوان «مؤلفه های عملکردی» یاد شود چراکه بدون داشتن مولفه های عملکردی نیز امکان ارزیابی عملکرد و به تبع آن ارزشیابی خط مشی وجود ندارد. به عنوان مثال، مضمون ضمنی «وجود فضای دینی و معنوی در مراکز آموزشی و پژوهشی علوم انسانی» به «ایجاد فضای دینی و معنوی در مراکز آموزشی و پژوهشی علوم انسانی» بدل گشته است.



| مؤلفه های عملکردی                             | مؤلفه ها                | ابعاد       | تحول در علوم انسانی |
|---|-------------------------|-------------|---------------------|
| تقویت روحیه آزاداندیشی                        | اعتماد به نفس           | افراد       |                     |
| خودآگاهی بخشی نسبت به مفاهیم و تئوری های غربی | نوآوری                  |             |                     |
| تأکید بر رصد تحولات جدید                      |                         |             |                     |
| ترویج روحیه تحقیق گری و اجتهاد                |                         |             |                     |
| تربیت اساتید معتقد به مبانی اسلامی            | اسلام گرایی             | فرهنگ عمومی |                     |
| روشن کردن اهمیت علوم انسانی در فرهنگ عمومی    | ادراک اهمیت علوم انسانی |             |                     |
| تبیین اهمیت علوم انسانی برای مسئولین          |                         |             |                     |

#### ۴-۲- تحلیل اهمیت-عملکرد خط مشی تحول در علوم انسانی

در این مرحله پرسشنامه هایی حاوی ۲۵ مؤلفه که در گام قبلی پژوهش از روش تحلیل مضمون بدست آمده بودند، در بین ۱۶ نفر از صاحب نظران حوزه علوم انسانی توزیع شد و از آنها خواسته شد که از یک سو میزان اهمیت و از سوی دیگر سطح عملکرد هر یک از مؤلفه ها را تعیین نمایند. داده های این پرسشنامه ها وارد نرم افزار Excel شد. گام بعدی در تحلیل داده ها؛ یعنی یکپارچه سازی آنها از طریق میانگین هندسی شروع شد تا در نهایت، نمره اهمیت عملکرد هر کدام از مؤلفه ها، بدست آید. ساعتی<sup>۱</sup> پیشنهاد می کند که استفاده از میانگین هندسی برای بیان نظر جمعی چندین تصمیم گیرنده راه حل مؤثرتری است (آذر و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۸۱). بدین ترتیب ارزش نهایی اهمیت و ارزش نهایی عملکرد هر یک از مؤلفه ها که حاصل نظر جمعی است به دست می آید. میانگین هندسی از روابط زیر بدست می آید:

$$b_i = \left( \prod_{i=1}^n b_{ip} \right)^{1/n} \quad (1) \quad c_i = \left( \prod_{i=1}^n c_{ip} \right)^{1/n} \quad (2)$$

در این روابط،  $b_i$  ارزش نهایی اهمیت،  $c_i$  ارزش نهایی عملکرد مؤلفه  $i$  ام نامیده می شود که حاصل نظر جمعی  $p$  کارشناس است. ( $p = 1, 2, \dots, n$  و  $i = 1, 2, \dots, m$ )

جدول ۸- یکپارچه سازی داده های حاصل از پرسشنامه ها

| ردیف | عنوان مشخصه  | اهمیت $b_i$ | عملکرد $c_i$ |
|------|--|-------------|--------------|
| ۱    | برقراری تعامل سازمانی حوزه و دانشگاه                         | ۶،۹۱۷       | ۲،۹۶۳        |
| ۲    | ایجاد فضای دینی و معنوی در مراکز آموزشی و پژوهشی علوم انسانی | ۷،۵۰۴       | ۳،۴۱۱        |
| ۳    | جذب افراد مستعد و بانگیزه به علوم انسانی                     | ۸،۶۴۶       | ۲،۸۲۶        |

1. Saaty



| ردیف | عنوان مشخصه   | اهمیت<br>$b_i$ | عملکرد<br>$c_i$ |
|------|---|----------------|-----------------|
| ۴    | ایجاد امتیاز برای فراگیری و کسب تخصص در علوم انسانی   | ۶,۸۴۲          | ۲,۶۵۲           |
| ۵    | رشد کمی و کیفی اساتیدی که با علوم اسلامی مأنوس هستند.   | ۸,۰۶۹          | ۳,۸۰۷           |
| ۶    | رشد تره‌های علوم انسانی اسلامی  | ۷,۲۱۷          | ۳,۴۲۵           |
| ۷    | آموزش علوم اسلامی موردنیاز به دانشجویان علوم انسانی (دانشجویان تحصیلات تکمیلی یا از ابتدای دوره کارشناسی) | ۸,۰۵۸          | ۲,۴۷۶           |
| ۸    | استقرار برنامه‌ها و روش‌های متناسب آموزشی در علوم انسانی  | ۷,۳۴۰          | ۲,۸۴۷           |
| ۹    | استقرار تعداد کافی و باکیفیت مراکز و فعالیت‌های پژوهشی علوم انسانی  | ۷,۶۸۲          | ۳,۸۸۶           |
| ۱۰   | استقرار نظام اعتبارسنجی علوم انسانی اسلامی  | ۷,۲۱۲          | ۲,۵۵۶           |
| ۱۱   | تناسب بخشی معیارهای نخبگی در حوزه علوم انسانی   | ۷,۱۵۸          | ۲,۴۹۱           |
| ۱۲   | تناسب معیارهای ارتقای اعضای هیئت‌علمی در حوزه علوم انسانی   | ۷,۰۶۹          | ۳,۵۸۲           |
| ۱۳   | ابتناء نظریات علوم انسانی بر مبانی اسلامی   | ۹,۵۶۱          | ۲,۸۱۵           |
| ۱۴   | تهیه تعداد کافی کتاب‌های درسی علوم انسانی اسلامی  | ۸,۰۳۸          | ۲,۸۹۷           |
| ۱۵   | محک خوردن علوم انسانی غربی با مبانی دینی  | ۸,۰۸۷          | ۳,۴۷۰           |
| ۱۶   | رشد تحقیقات اسلامی و بومی   | ۸,۳۴۸          | ۴,۲۹۶           |
| ۱۷   | همسازی علوم انسانی با فرهنگ ملی و اسلامی  | ۸,۲۱۸          | ۳,۱۷۵           |
| ۱۸   | تقویت اعتمادبه‌نفس ملی  | ۷,۸۷۷          | ۳,۱۱۵           |
| ۱۹   | تقویت روحیه آزاداندیشی و جسارت علمی   | ۸,۰۷۹          | ۳,۲۹۶           |
| ۲۰   | خودآگاهی بخشی نسبت به مفاهیم و تئوری‌های غربی   | ۷,۱۷۳          | ۳,۶۲۳           |
| ۲۱   | تأکید بر رصد تحولات جدید  | ۶,۵۰۹          | ۳,۲۶۳           |
| ۲۲   | ترویج روحیه تحقیق‌گری و اجتهاد  | ۸,۷۰۵          | ۳,۵۵۰           |
| ۲۳   | تربیت اساتید معتقد به مبانی اسلامی  | ۸,۸۴۸          | ۳,۲۹۶           |
| ۲۴   | روشن کردن اهمیت علوم انسانی در فرهنگ عمومی  | ۷,۴۶۷          | ۲,۸۳۴           |
| ۲۵   | تبیین اهمیت علوم انسانی برای مسئولین  | ۸,۳۴۱          | ۳,۱۱۳           |

جهت تعیین خانه‌های ماتریس اهمیت- عملکرد، ارزش آستانه اهمیت و عملکرد بایستی محاسبه شود. جهت تعیین ارزش آستانه از میانگین حسابی استفاده می‌شود. این مقادیر از روابط (۳) و (۴) بدست می‌آیند:

$$\mu_b = \frac{\sum_{i=1}^n b_i}{m} \quad (۳) \quad \mu_c = \frac{\sum_{i=1}^n c_i}{m} \quad (۴)$$

(ارزش آستانه اهمیت)



محاسبه ارزش آستانه اهمیت و عملکرد با استفاده از روابط (۳) و (۴) به شرح زیر است:

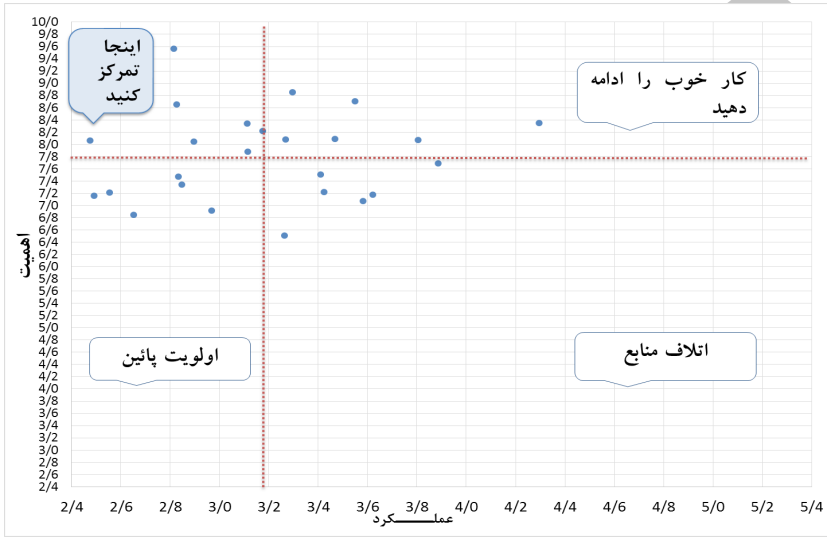
$$\mu_b = \frac{194.963}{25} = 7.799$$

ارزش آستانه اهمیت

$$\mu_c = \frac{79.643}{25} = 3.186$$

ارزش آستانه عملکرد

اکنون می‌توانیم موقعیت نسبی هر کدام از مشخصه‌ها را بر روی ماتریس اهمیت عملکرد مشخص کنیم.



نمودار ۳- ماتریس ربعی تحلیل اهمیت عملکرد خطمشی تحول در علوم انسانی

در گام نهایی، تحلیل اهمیت عملکرد برای تعیین اولویت جهت بهبود، وزن هر یک از مؤلفه های کیفی محاسبه می‌شود. بر اساس نظر وو و همکاران شکاف بین ارزش اهمیت و عملکرد مؤلفه  $i$  ام ضربدر ارزش اهمیت آن، می‌تواند وزن مؤلفه کیفی  $i$  ام را نشان دهد. وزن مؤلفه  $i$  ام را با  $(OW_i)$  نشان می‌دهیم که از طریق رابطه (۵) بدست می‌آید (آذر و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۲۸۰-۲۸۲).

$$ow_i = |(b_i - c_i) \times b_i| \quad (5)$$

جدول ۹- وزن ها و اولویت‌های مؤلفه‌های تحول علوم انسانی

| ردیف | عنوان مؤلفه                               | شکاف اهمیت- عملکرد | وزن $OW_i$ | اولویت |
|------|---|--------------------|------------|--------|
| ۱۳   | ابتناء نظریات علوم انسانی بر مبانی اسلامی | ۶,۷۴۶              | ۶۴,۵۰۳     | ۱      |



| اولویت | وزن $OW_i$ | شکاف اهمیت- عملکرد | عنوان مؤلفه   |
|--------|------------|--------------------|---|
| ۲      | ۵۰,۳۱۹     | ۵,۸۲۰              | جذب افراد مستعد و با انگیزه به علوم انسانی  |
| ۳      | ۴۹,۱۲۰     | ۵,۵۵۲              | تربیت اساتید معتقد به مبانی اسلامی  |
| ۴      | ۴۴,۹۸۴     | ۵,۵۸۲              | آموزش علوم اسلامی موردنیاز به دانشجویان علوم انسانی (دانشجویان تحصیلات تکمیلی یا از ابتدای دوره کارشناسی) |
| ۵      | ۴۴,۸۸۲     | ۵,۱۵۶              | ترویج روحیه تحقیق گری و اجتهاد  |
| ۶      | ۴۳,۶۰۴     | ۵,۲۲۸              | تبیین اهمیت علوم انسانی برای مسئولین  |
| ۷      | ۴۱,۴۴۵     | ۵,۰۴۳              | همسازی علوم انسانی با فرهنگ ملی و اسلامی  |
| ۸      | ۴۱,۳۲۲     | ۵,۱۴۱              | تهیه تعداد کافی کتاب‌های درسی علوم انسانی اسلامی  |
| ۹      | ۳۸,۸۵۸     | ۴,۸۱۰              | تقویت روحیه آزاداندیشی و جسارت علمی   |
| ۱۰     | ۳۷,۵۰۸     | ۴,۷۶۲              | تقویت اعتماد به نفس ملی   |
| ۱۱     | ۳۷,۳۳۷     | ۴,۶۱۷              | محک خوردن علوم انسانی غربی با مبانی دینی  |
| ۱۲     | ۳۴,۵۹۸     | ۴,۶۳۳              | روشن کردن اهمیت علوم انسانی در فرهنگ عمومی  |
| ۱۳     | ۳۴,۳۸۷     | ۴,۲۶۲              | رشد کمی و کیفی اساتیدی که با علوم اسلامی مأنوس هستند.   |
| ۱۴     | ۳۳,۸۲۷     | ۴,۰۵۲              | رشد تحقیقات اسلامی و بومی   |
| ۱۵     | ۳۳,۵۷۴     | ۴,۶۵۶              | استقرار نظام اعتبارسنجی علوم انسانی اسلامی  |
| ۱۶     | ۳۳,۴۰۴     | ۴,۶۶۷              | تناسب بخشی معیارهای نخبگی در حوزه علوم انسانی   |
| ۱۷     | ۳۲,۹۷۲     | ۴,۴۹۲              | تناسب برنامه‌ها و روش‌های آموزشی در علوم انسانی   |
| ۱۸     | ۳۰,۷۱۶     | ۴,۰۹۳              | ایجاد فضای دینی و معنوی در مراکز آموزشی و پژوهشی علوم انسانی  |
| ۱۹     | ۲۹,۱۵۵     | ۳,۷۹۵              | استقرار تعداد کافی و باکیفیت مراکز و فعالیت‌های پژوهشی در علوم انسانی                                     |
| ۲۰     | ۲۸,۶۶۶     | ۴,۱۹۰              | ایجاد امتیاز برای فراگیری و کسب تخصص در علوم انسانی   |
| ۲۱     | ۲۷,۳۷۱     | ۳,۷۹۲              | رشد تزه‌های علوم انسانی اسلامی  |
| ۲۲     | ۲۷,۳۱۰     | ۳,۹۴۸              | برقراری تعامل سازمانی حوزه و دانشگاه  |
| ۲۳     | ۲۵,۴۶۸     | ۳,۵۵۰              | خودآگاهی بخشی نسبت به مفاهیم و تئوری‌های غربی   |
| ۲۴     | ۲۴,۶۵۰     | ۳,۴۸۷              | تناسب معیارهای ارتقای اعضای هیئت‌علمی در حوزه علوم انسانی   |
| ۲۵     | ۲۱,۱۲۴     | ۳,۲۴۶              | تأکید بر رصد تحولات جدید  |



## ۵- بحث، نتیجه گیری و پیشنهادات

در این پژوهش، با هدف ارزیابی خط مشی ملی تحول علوم انسانی، نخست دست‌یابی به مؤلفه‌های تحول علوم انسانی از طریق تحلیل مضمونی سیاست‌های کلی نظام و فرمایشات رهبری معظم انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفت. در مرحله بعد، بر مبنای نظر مجموعه‌ای از خبرگان و از طریق تحلیل اهمیت-عملکرد، موقعیت نسبی و اولویت توجه به هر یک از مؤلفه‌ها در چارچوب ماتریس ربعی شناسایی شد.

مؤلفه‌هایی که در ربع اول ماتریس یعنی جایی که اولویت فعلی برای تغییر و بهبود عملکرد است قرار می‌گیرند از هر چهار بعد اصلی تحول علوم انسانی هستند و می‌توان نتیجه گرفت که در کوتاه‌مدت، تأکید و تمرکز بر یک بعد خاص (مثلاً بعد محتوایی) برای ایجاد بهبود در عملکرد کافی نبوده و می‌بایست مؤلفه‌های اولویت‌دار که در این ربع قرار می‌گیرند مجموعاً مورد توجه قرار گیرند. مؤلفه‌های این ربع عبارت‌اند از:

جدول ۱۰- مؤلفه‌هایی که در اولویت تمرکز و توجه قرار دارند.

| نمره   | عنوان مؤلفه   |
|--------|---|
| ۶۴,۵۰۳ | ابتناء نظریات علوم انسانی بر مبنای اسلامی   |
| ۵۰,۳۱۹ | جذب افراد مستعد و بانگیزه به علوم انسانی  |
| ۴۴,۹۸۴ | آموزش علوم اسلامی موردنیاز به دانشجویان علوم انسانی (دانشجویان تحصیلات تکمیلی یا از ابتدای دوره کارشناسی) |
| ۴۳,۶۰۴ | تبیین اهمیت علوم انسانی برای مسئولین  |
| ۴۱,۴۴۵ | همسازی علوم انسانی با فرهنگ ملی و اسلامی  |
| ۴۱,۳۲۲ | تهیه تعداد کافی کتاب‌های درسی علوم انسانی اسلامی  |
| ۳۷,۵۰۸ | تقویت اعتمادبه‌نفس ملی  |

با توجه به محدودیت منابع، لازم است از صرف منابع جهت تحقق مؤلفه‌های واقع در ربع چهارم ماتریس کاسته و به مؤلفه‌های ربع اول اختصاص داده شود. مؤلفه‌های ربع چهارم عبارت‌اند از:

جدول ۱۱- مؤلفه‌هایی که تمرکز بر آنها بصورت نسبی اتلاف منابع را به دنبال دارد.

| نمره   | عنوان مؤلفه  |
|--------|--|
| ۳۰,۷۱۶ | وجود فضای دینی و معنوی در مراکز آموزشی و پژوهشی علوم انسانی            |
| ۲۹,۱۵۵ | استقرار تعداد مناسب و باکیفیت مراکز و فعالیت‌های پژوهشی در علوم انسانی |
| ۲۷,۳۷۱ | تشویق و حمایت از تزه‌های علوم انسانی اسلامی                            |



| نمره   | عنوان مؤلفه   |
|--------|---|
| ۲۵,۴۶۸ | خودآگاهی بخشی نسبت به مفاهیم و تئوری‌های غربی             |
| ۲۴,۶۵۰ | تناسب معیارهای ارتقای اعضای هیئت‌علمی در حوزه علوم انسانی |
| ۲۱,۱۲۴ | تأکید بر رصد تحولات جدید                                  |

مؤلفه‌های قرار گرفته در ربع دوم (کار خوب را ادامه دهید) مؤلفه‌هایی هستند که بین اهمیت و عملکرد آنها تناسب وجود دارد لذا لازم است همچنان رویه قبلی درباره آنها استمرار یابد. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:

جدول ۱۲- مؤلفه‌هایی که استمرار توجه بر آنها همچون گذشته مورد تأکید است.

| نمره   | عنوان مؤلفه   |
|--------|---|
| ۴۹,۱۲۰ | تربیت اساتید معتقد به مبانی اسلامی                    |
| ۴۴,۸۸۲ | ترویج روحیه تحقیق‌گری و اجتهاد                        |
| ۳۸,۸۵۸ | تقویت روحیه آزاداندیشی و جسارت علمی                   |
| ۳۷,۳۳۷ | محک خوردن علوم انسانی غربی با مبانی دینی              |
| ۳۴,۲۸۷ | رشد کمی و کیفی اساتیدی که با علوم اسلامی مأنوس هستند. |
| ۳۳,۸۲۷ | رشد تحقیقات اسلامی و بومی                             |

نکته مهم در مورد مؤلفه‌های که در ربع سوم قرار گرفته‌اند این است که اگرچه نسبت با دیگر مؤلفه‌ها از اولویت پائینی برخوردارند، اما اهمیت مطلق آنها در تحول علوم انسانی زیاد است. برای تحقق تحول علوم انسانی در کوتاه‌مدت، لازم است توجه کمتری به موارد زیر شود و جریان صرف منابع در این مؤلفه‌ها به مؤلفه‌های ربع اول منتقل شود.

جدول ۱۳- مؤلفه‌های با اولویت نسبی پائین

| نمره   | عنوان مؤلفه   |
|--------|---|
| ۳۴,۵۹۳ | روشن کردن اهمیت علوم انسانی در فرهنگ عمومی          |
| ۳۳,۵۷۴ | استقرار نظام اعتبارسنجی علوم انسانی اسلامی          |
| ۳۳,۴۰۴ | تناسب معیارهای نخبگی در حوزه علوم انسانی            |
| ۳۲,۹۷۲ | تناسب برنامه‌ها و روش‌های آموزشی در علوم انسانی     |
| ۲۸,۶۶۶ | ایجاد امتیاز برای فراگیری و کسب تخصص در علوم انسانی |
| ۲۷,۳۱۰ | برقراری تعامل سازمانی حوزه و دانشگاه                |





## ۵-۱- جمع بندی

در جمع بندی کلی می توان گفت که با توجه به اینکه ارزش نهایی اهمیت تمام مؤلفه ها، متوسط به بالا بوده است (بالتر از ۵)، تمامی مؤلفه های شناسایی شده، مؤلفه های اساسی در تحول علوم انسانی به شمار می روند و به تعبیر دیگر، اعتبار کلی مضامین شناسایی شده در مرحله تحلیل مضمون، توسط خبرگان پژوهش، تأیید شده است. از سوی دیگر پایین تر از متوسط بودن (کمتر از ۵) ارزش نهایی عملکرد تمام مؤلفه ها نشان می دهد که علی رغم تصریح سیاست های کلی نظام و فرمایشات مکرر رهبر انقلاب در موضوع تحول علوم انسانی، این موضوع به صورت کلی کمتر مورد توجه و عنایت سیاستی خط مشی گذاران این عرصه بوده است. آنچه این یافته را تقویت می کند نمره پائین مؤلفه «تبیین اهمیت علوم انسانی برای مسئولین» در عملکرد (۳,۱۱۳) و نمره بالای اهمیت این مؤلفه (۸,۳۴۱) در تحول علوم انسانی است که نشان از نقش مهم این مؤلفه در تحول علوم انسانی دارد.

## ۵-۲- پیشنهادها

پیشنهاد می شود از طریق ابزارهای رایج خط مشی گذاری، ذهنیت خط مشی گذاران این عرصه به موضوع تحول علوم انسانی جلب شود. از جمله ابزارهای مهم در این عرصه ارائه خلاصه مدیریتی از پژوهش های صورت گرفته مثل پژوهش حاضر است که نقاط ضعف و قوت عملکردی را نشان می دهد. از آنجاکه مسئولین کشور نیز از دل مردم برمی آیند، فرهنگ عمومی که شامل باورها، ذهنیت ها و ارزش ها می شود تأثیر مهمی بر سیاست ها و برنامه ریزی های مسئولین دارد. لذا شایسته است که رسانه ها و در رأس آنها صداوسیما به عنوان یکی از ارکان فرهنگ سازی در کشور، با اهتمامی ویژه، نقش خود را در اصلاح نگرش عمومی در این حوزه، ایفا نمایند.

از سوی دیگر تخصیص بالاترین اولویت مؤلفه ها به مؤلفه «ابتناء نظریات علوم انسانی بر مبانی اسلامی» را می توان این گونه توجیه کرد که این مؤلفه، به نوعی نتیجه و هدف غایی تحول علوم انسانی است و لذا از منظر پاسخ دهندگان، بیشترین اولویت را داراست. قرار گرفتن مؤلفه های «جذب افراد مستعد و بانگیزه به علوم انسانی» و «آموزش علوم اسلامی موردنیاز به دانشجویان علوم انسانی» در اولویت دوم و سوم ربع اول، می تواند ناشی از مقدمه بودن این دو مؤلفه برای تحقق دیگر مؤلفه ها باشد؛ بنابراین لازم است با اتخاذ تدابیری ویژه، ضمن برنامه ریزی جدی برای جذب افراد مستعد به علوم انسانی، علوم اسلامی متناسب با هر رشته تعیین شده و با مشارکت حوزه علمیه بتوان آموزش اثربخشی از علوم اسلامی را در آموزش عالی کشور شاهد بود.



از مقایسه خط‌مشی‌های فعلی تحول علوم انسانی (شامل تشویق و حمایت از پایان‌نامه‌های علوم انسانی اسلامی، برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی، تدوین سرفصل‌های جدید علوم انسانی و امتیاز قرار دادن برای نظریه‌پردازی در آئین‌نامه ارتقاء اعضای هیئت‌علمی) با مؤلفه‌های اولویت‌دار این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفته که بیشتر مؤلفه‌های اولویت‌داری که در ربع اول ماتریس ربعی قرار گرفته‌اند، مورد توجه خط‌مشی‌گذاران نبوده‌اند. با توجه به اینکه تشویق و حمایت از پایان‌نامه‌های علوم انسانی اسلامی و امتیاز قرار دادن برای نظریه‌پردازی در آئین‌نامه ارتقاء اعضای هیئت‌علمی در ربع چهارم (اتلاف منابع) قرار می‌گیرند، لازم است خط‌مشی‌گذاران این عرصه، تمرکز و توجه خود را از این موارد به مؤلفه‌های بدست آمده در ربع اول جلب کنند و برای تحقق آنها برنامه‌ریزی نمایند.

## ۶- منابع

### ۶-۱- منابع فارسی

#### الف) مقاله‌ها

۱. آذربایجانی، مسعود؛ کاظمینی، سید محمدحسین، (۱۳۹۴). در آمدی بر نظریه مدیریت تحول در علوم انسانی (با تأکید بر نقش محوری عوامل جامعه‌شناختی)، روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۸۲، بهار
۲. باقری، شهلا، (۱۳۸۷). علوم انسانی-اجتماعی از بحران تا بومی سازی: انتقادات و راهکارها، روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۵۴، بهار
۳. برزگر، ابراهیم، (۱۳۸۹). رهیافت بومی سازی علوم انسانی، روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۶۳، تابستان
۴. پورعزت، علی اصغر؛ رضایی، پرینسا؛ یزدانی، حمیدرضا، (۱۳۸۸). بررسی موانع نظریه‌پردازی در قلمرو علوم اجتماعی، مدیریت بازرگانی، شماره ۲، بهار و تابستان
۵. حسنی، سیدحمیدرضا؛ علی پور، مهدی، (۱۳۸۹). تحلیل مکانیزم اجتهاد به مثابه مدلی برای تولید علوم انسانی اسلامی، مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی، شماره ۱، بهار
۶. خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۹۰). الگوی حکمی-اجتهادی علوم انسانی، جاویدان خرد، شماره ۳، سال هشتم، صص ۶۶-۲۹
۷. دانایی فرد، حسن، (۱۳۸۸). تحلیلی بر موانع تولید دانش در حوزه علوم انسانی:



- رهنمودهایی برای ارتقای کیفیت ظرفیت سیاست ملی علم ایران، سیاست علم و فناوری، شماره ۱، بهار
۸. دانایی فرد، حسن؛ جوانعلی آذر، مرتضی، (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی خردمایه وجود دولت از نگاه نظریه های غربی و منابع اسلامی، دو فصلنامه مدیریت اسلامی، سال ۲۲، شماره ۱
  ۹. زمانیها، حسین، (۱۳۹۳). روش فلسفی ابن سینا، الگویی برای تحول در علوم انسانی، حکمت سینوی، شماره ۵۲، پائیز و زمستان
  ۱۰. سلیمان پور، علی، (۱۳۸۸). علوم انسانی، مشکلات و موانع نظریه پردازی (با تاکید بر علوم سیاسی و روابط بین الملل)، علوم سیاسی و روابط بین الملل، شماره ۷، پاییز
  ۱۱. سوزنچی، حسین، (۱۳۸۸). تاملی در باب بایسته های تحول در علوم انسانی: حرکت به سمت تحقق علوم انسانی اسلامی. راهبرد فرهنگ، شماره ۵، بهار
  ۱۲. سوزنچی، حسین، (۱۳۹۱). چگونگی بازتولید فلسفه های علوم انسانی با تکیه بر فلسفه اسلامی، حکمت اسراء، شماره ۱۱، بهار
  ۱۳. گودرزی، غلامرضا، (۱۳۹۴). اولویت بندی الزامات مدیریت تحول علوم انسانی مبتنی بر مدیریت راهبردی اسلامی و ایرانی، سومین کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی.
  ۱۴. مروتی، مرضیه؛ مروتی، محمد جواد، (۱۳۸۹). بررسی وضعیت علوم انسانی در دانشگاه های ایران از منظر مقام معظم رهبری: چالش ها و راه کارها، معرفت، شماره ۱۵۳، شهریور
  ۱۵. میرزابابی، نیره، (۱۳۸۹). علوم انسانی و جایگاه آن از دیدگاه مقام معظم رهبری، بصیرت و تربیت اسلامی، شماره ۱۶، تابستان
  ۱۶. میرزاپور ارمکی، ابوالفضل، (۱۳۹۰). اهمیت و ضرورت تحول علوم انسانی و تولید علم دینی و راهکارهای تحقق آن، رهیافت، شماره ۴۹، پاییز و زمستان
- ب) کتابها**
۱۷. آذر، عادل، خسروانی، فرزانه، جلالی، رضا (۱۳۹۲) تحقیق در عملیات نرم، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
  ۱۸. امین پور، فاطمه (۱۳۹۰)، روش شناسی اجتماعی از منظر قرآن، قم: بوستان کتاب
  ۱۹. باقری، خسرو (۱۳۸۲)، هویت علم دینی: نگاه معرفت شناختی به نسبت دین با علوم انسانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات
  ۲۰. پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۹)، مبانی دانش اداره دولت و حکومت، تهران، سمت.
  ۲۱. خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۹۳). در جستجوی علوم انسانی اسلامی (۱)، تهران، دفتر نشر معارف
  ۲۲. رابینگتن، ارل، واینبرگ، مارتین (۱۳۹۳)، رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه رحمت اله صدیق سروسستانی، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران



۲۳. سوزنجی، حسین. ۱۳۸۹. معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی. تهران. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
۲۴. شریفی، احمد حسین. ۱۳۹۳. مبانی علوم انسانی اسلامی. تهران. آفتاب توسعه
۲۵. لوزیک، دانیلین (۱۳۹۳)، نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی، ترجمه سعید معیدفر، تهران: امیرکبیر
۲۶. محمدپور، احمد (۱۳۹۰)، روش تحقیق کیفی ضد روش ۲، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۹۲. رابطه علم و دین. قم. انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه. چاپ اول
- ج) سایر منابع**
۲۸. آیین نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی موسسه های آموزشی. مصوب ۸۹/۱۰/۱۴
- شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوب ۱۳۹۴/۰۶/۰۸ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۲۹. آیین نامه تشکیل کرسی های آزاداندیشی در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی سراسر کشور. ابلاغیه ۱۳۸۹/۰۸/۱۱
۳۰. آیین نامه هدفمندی رساله های دوره دکتری در رشته های علوم انسانی و هنر. مصوب ۱۳۹۱/۰۲/۰۴

## ۶-۲-منابع لاتین

### Articles:

31. Alberty, S., & Mihalik, B. (1989). **The use of importance-performance analysis as an evaluative technique in adult education.** Evaluation Review, 13(1), 33-44.
32. Azzopardi, E., & Nash, R. (2013). **A critical evaluation of importance-performance analysis.** Tourism Management, 35, 222-233.
33. Braun, Virginia, Clarke, Victoria (2006), **Using thematic analysis in Psychology,** Qualitative Research in Psychology, Vol.2, No.6 (June 2006) 77-101
34. Chu, R. K. S., & Choi, T. (2000). **An importance-performance analysis of hotel selection factors in the Hong Kong hotel industry: a comparison of business and leisure travelers.** Tourism Management, 21, 363-377.
35. Coghlan, A. (2012). **Facilitating reef tourism management through an innovative importance-performance analysis method.** Tourism Management, 33, 767-775.
36. Dolinsky, A. E., & Caputo, R. K. (1991). **Adding a competitive dimension to importance-performance analysis: an application to traditional health care systems.** Health Marketing Quarterly, 8(3/4),



- 61-79.
37. Dwyer, L., Knezevic Celbar, L., Edwards, D., & Mihalic, T. (2012). **Fashioning a destination tourism future: the case of Slovenia.** *Tourism Management*, 33, 305-316.
  38. Enright, M. J., & Newton, J. (2004). **Tourism destination competitiveness: a quantitative approach.** *Tourism Management*, 25(6), 777-788.
  39. Hawes, J. M., & Rao, C. P. (1985). **Using importance-performance analysis to develop health care marketing strategies.** *Journal of Health Care Marketing*, 5(4), 19-25.
  40. Joseph, M., Allbright, D., Stone, G., Sekhon, Y., & Tinson, J. (2005). **Importance performance analysis of UK and US bank customer perceptions of service delivery technologies.** *International Journal of Bank Marketing*, 23(5), 397-413.
  41. Levenburg, N. M., & Magal, S. R. (2005). **Applying importance-performance analysis to evaluate e-business strategies among small firms.** *E-Service Journal*, 3 (3), 29-48
  42. Martilla, J. A., & James, J. C. (1977). **Importance-performance analysis.** *Journal of Marketing*, 41(1), 77-79.
  43. Nale, R. D., Rauch, D. A., Wathen, S. A., & Barr, P. B. (2000). **An exploratory look at the use of importance-performance analysis as a curricular assessment tool in a school of business.** *Journal of Workplace Learning*, 12(4), 139-145.
  44. Oh, H. (2001). **Revisiting importance -performance analysis.** *Tourism Management*, 22, 617-627.
  45. O'Neill, M. A., & Palmer, A. (2004). **Importance-performance analysis: a useful tool for directing continuous quality improvement in higher education.** *Quality Assurance in Education*, 12(1), 39-52.
  46. Sever, I. (2015). **Importance-performance analysis: A valid management tool?** *Tourism Management*, 48, 43-53.
  47. Siniscalchi, J. M., Beale, E. K., & Fortuna, A. (2008). **Using importance- performance analysis to evaluate training.** *Performance Improvement*, 47(10), 30-35.
  48. Skok, W., Kophamel, A., & Richardson, I. (2001). **Diagnosing information systems success: importance-performance maps in the health club industry.** *Information and Management*, 38, 409-419.
  49. Tontini, G., & Silveira, A. (2007). **Identification of satisfaction attributes using competitive analysis of the improvement gap.** *International Journal of Operations and Production Management*, 27(5), 482-500.
  50. Van Ryzin, G. G., & Immerwahr, S. (2007). **Research note: importance performance analysis of citizen satisfaction surveys.**



Public Administration, 85(1), 215-226.

51. Yeo, A. Y. C. (2003). **Examining a Singapore bank's competitive superiority using importance-performance analysis**. Journal of American Academy of Business, 3(1/2), 155-161.
52. Ziegler, J., Dearden, P., & Rollins, R. (2012). **But are tourists satisfied? Importance performance analysis of the whale shark tourism industry on Isla Holbox, Mexico**. Tourism Management, 33, 692-701.

#### **Books:**

53. Anderson, James E. (2003) **Public Policymaking: An Introduction**. Houghton Mifflin.
54. Boyatzis, Richard E. (1998), **Transforming qualitative information: Thematic analysis & code development**. Thousand Oaks: Sage Publication
55. Kepner, C. H. and B. B. Tregoe (1965), **The Rational Manager**, N.Y.: Mc Graw-Hill Co.
56. King, N, & Horrocks, C. (2010), **Interviews in Qualitative Research**, London: Sage.
57. Rossi, Peter, et. Al (1999), **Evaluation: A Systematic Approach**, Sage Publications: thousand oaks, (6 ed).
58. Shadish, William R. & Cook, Thomas D. & Leviton, Laura C. (1991), **Foundations of program evaluation; theories of practice**, sage pub: London.
59. Stufflebeam Daniel L. & Shinkfield Anthony J. (2007), **Evaluation; Theory, Models & Applications**, Jossey-bass: San Francisco.

Archive of SID

